

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقایسه‌ی نظر استاد غفاری رحمه الله علیه با دیگر مترجمان

در مورد معنای «نحاس» در آیه‌ی ۳۵ از سوره‌ی شریفه‌ی الرحمن

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

ترجمه‌ی آیه از استاد غفاری:

(اگر روی هوا و هوس کار کنید و در اطاعت خدا نباشید، بدانید که در محاصره‌ی «بازی با آتش» و نحوست‌ها قرار گرفته‌اید، پیروزی نخواهید داشت.

ترجمه‌ی آیه از آقای مکارم شیرازی:

شعله‌هایی از آتش بی‌دود، و دوده‌هایی متراکم بر شما فرستاده می‌شود؛ و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید!

ترجمه‌ی آیه از آقای الهی قمشه‌ای:

(اگر به کفر و طغیان گرایید) بر شما شراره‌های آتش و مس گداخته فروریخته شود و هیچ نصرت و نجاتی نیابید.

تذکر:

پس از بررسی پنجاه ترجمه‌ی فارسی موجود در نرم افزار جامع التفاسیر^۱، متوجه شدیم که اکثر مترجمین در ترجمه‌ی این آیه‌ی شریفه عموماً نحاس را به دود متراکم و یا مس گداخته و یا مفاهیم نزدیک به اینها ترجمه کرده‌اند. اما استاد غفاری رحمه الله علیه نحاس را به معنای «نحوست‌ها» می‌دانند. این نوشتار به بررسی نظر استاد غفاری پرداخته و سعی دارد که با استفاده از دلائل کافی عقلی و زبانی به اثبات حقانیت این ترجمه بپردازد.

امید است مورد قبول حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین قرار گرفته، برات نجات این حقیر گردد، در هنگامه‌ی تحقق آنچه که در این آیه آمده است.

^۱ - مربوط به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی - <http://www.noorsoft.org/>

معنای شواظ:

فرهنگ ابجدی: شعله ی آتشی که دود ندارد.
مجمع البحرین: شعله ای از آتش که دود با آن خلط نشده است.
مفردات: شعله ای که دود ندارد. (مثل خورشید و شعله ی الکتریسیته و ...)

معنای نحاس:

قاموس:

نحاس: شوم و شومی. مصدر و اسم هر دو آمده است ارباب لغت گفته‌اند: «النحاس: ضدّ السعد» راغب نحاس را شعله بی‌دود معنی کرده و گوید: اصل نحاس آنست که افق مثل شعله بی‌دود سرخ شود از این لحاظ نحس مَثَل شده برای نشان دادن شومی.

نحاس: دود، مس، سرب مذاب.

و آن فقط یکبار در قرآن مجید آمده است يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَ نُّحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ رَحْمَن: ۳۵. ظاهراً مراد از آن دود و بقولی سرب مذاب است.

فرهنگ ابجدی:

النُّحَاسُ:

مس، جرقه آتش که در اثر کوبیدن بر روی مس یا آهن پدید آید، دودی که شعله آتش در آن نباشد، آتش و...

مفردات:

نحاس شعله بدون دود است که در رنگ به رنگ مس تشبیه شده است.

التحقیق:

و النحاس: الدخان الذی لا لهب فیہ. (یعنی: دودی که لهیب و شعله ای از آتش در آن نباشد.)

توضیح نظر استاد غفاری؛

همانطور که مشاهده کردید، اکثر مترجمان قرآن و فرهنگ نویسان کلمه‌ی نحاس را در معنای مس گذاخته و یا دود متراکم آورده اند. لیکن استاد غفاری در ترجمه‌ی این آیه-ی شریفه شاید با توجه و دقت به این حقیقت که دود متراکم (معنای تحت اللفظی نحاس که دود بدون شعله است.) در واقع نتیجه و پیامد شعله‌های آتش (یعنی همان کلمه‌ی شواظ) می‌باشد، در ترجمه‌ی مبتنی بر تأویل این آیه‌ی شریفه نحاس را به معنای نتایج شوم و نحوست‌های فراوانی گرفته‌اند که نتیجه و پیامد شواظ است.

البته باید توجه داشت که معنای شواظ از نظر استاد غفاری همان بازی خطرناکی است که انسان در طول تاریخ با ساخت سلاح‌های آتش‌زا پشت سر گذاشته است و در انتهای تاریخ با ساخت بمب‌های اتمی، این بازی خطرناک را به اوج خود رسانده است. چنانکه هر آن، احتمال وقوع جنگ عظیم سوم جهانی می‌رود. جنگی که نتیجه‌ی قهری و حتمی آن، نحوستی حقیقی برای بشر است.

نکته‌ی جالب توجه در مورد کلمه‌ی شواظ این است که طبق نظر راغب اصفهانی در مفردات، به آن آتشی دلالت می‌کند که دود ندارد. و به عنوان نمونه شعله‌ی الکتریسیته را مثال زده است. با این حساب به روشنی می‌توان دانست که ترجمه‌ی آیه از نظر استاد چقدر دقیق است که در ترجمه‌ی شواظ فرموده‌اند «بازی با آتش» که منطبق است با برنامه‌های به ظاهر علمی بشر امروز برای دستیابی به سلاح‌های اتمی از نیروی عظیم آتش‌زایی که در اعماق طبیعت و بدون هیچ دودی نهفته است! بازی خطرناکی که به برپایی آتش جهانی و تحقق همان جهنمی منجر می‌شود که بشر را در استیصال کامل قرار می‌دهد و در نتیجه‌ی عواقب وخیم چنان جنگ ویرانگری که زندگی بر روی زمین را نابود خواهد ساخت، مردم مصیبت زده دست به دامان خدا شده و منجی موعود را طلب می‌کنند و در چنین شرایطی به دلیل رسیدن به درک و آگاهی از عجز خود، از سوی بشریت، و تسلیم کامل، امام زمان عج ظهور می‌نمایند.^۲

^۲ - عنصری که لازمه‌ی حکومت انسان‌های کامل است و عدم همین عامل سبب می‌شده است که امامان قبل، علی رغم اصرار یارانشان اقدام به جنگ و استفاده از نیروی الهی خود برای ایجاد حکومت الهی بر روی زمین نکرده‌اند. و امروز نیز عدم وجود همین عنصر مانع ظهور امام زمان عج است. البته بدیهی است که هدف انسان کامل از ایجاد حکومت، تربیت بشر است و نه فرمانروایی و قدرت‌نمایی. و تربیت محقق نمی‌شود مگر از طریق پذیرش کامل مربی، و خود را تحت امر و

لذا باید به این نکته توجه نمود که خداوند شواظ و نحاس را برای عذاب نمودن بشر نمی‌سازد، بلکه تمام این عذاب‌ها نتیجه و پیامد اعمال و کردار خود بشر است. چنانکه بارها خداوند حکیم در قرآن اشاره نموده است که جهنم بما یکسبون و بما يعملون است. و با این حساب بدیهی است که بشر با اعمالِ سوء خود و با بازی‌های خطرناکی که به راه انداخته است، در نهایت به دست خود، جهنم را می‌سازد. و امام زمان عج در حقیقت برای اقامه‌ی عدل و تحقق دین خدا و حاکمیت الهی و نجات مظلومین و مستضعفین تاریخ، در چنان دورانی ظهور می‌نمایند. دورانی که نحوست کامل بر زندگی بشر سایه افکنده است.

البته از سوی دیگر اگر هم شواظ و هم نحاس به آتش مربوط است، باید پرسید که چرا خداوندِ علیم، فقط شواظ را با آتش مرتبط ساخته؟ (شواظٌ مِنْ نار). علاوه بر این با توجه به عبارت بعد یعنی **فَلَا تَنْتَصِرَانِ**، و با در نظر گرفتن مقدمات زیر، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

مقدمات:

نحس در قاموس ضد سعد آمده است. سعد در برخی ابواب به معنای کمک و یاری رساندن است. چنانکه گویند اسعده علی الامر، یعنی در آن کار به او کمک کرد.^۳ لذا از معانی نحس شقاوت و بدبختی و بی یار و یاور بودن است. یعنی وضعیت کسی که سعادت‌مند نشده و از یاری خداوند برای نائل شدن به سرانجام نیکو محروم گردیده است.

اختیار او قرار دادن. و تا رسیدن بشر به چنین نقطه‌ای از درک و آگاهی، خدا و خلفای او و تمام نیکان جهان منتظر می‌مانند.

^۳ - المفردات فی غریب القرآن، ص: ۴۱۰ : سعد: السَّعْدُ و السَّعَادَةُ: معاونة الأمور الإلهیة للإنسان علی نیل الخیر، و یضاده الشَّقاوة، یقال: سَعِدَ و أسْعَدَهُ اللهُ، و رجل سَعِيدٌ، و قوم سَعْدَاءٌ، و أعظم السعادات الجنَّة، فلذلک قال تعالی: وَ أَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا ففِی الْجَنَّةِ [هود/ ۱۰۸]، و قال: فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ [هود/ ۱۰۵].

نتیجه:

نحاس در این آیه‌ی شریفه با توجه به کلمات قبل و بعد از آن در واقع کنایه از وضعیتی است که بشر آخر الزمان بر اثر نتیجه‌ی بازی خطرناکش با آتش‌های هسته‌ای، به بار می‌آورد. و این در حقیقت همان استیصال و گرفتاری مطلق است که پس از برپایی جنگ جهانی سوم و تحقق جهنم به دست خود بشر، ایجاد می‌شود. وضعیتی که دیگر هیچ نیروی یاری رسان برای ظالمینی که این مهلکه را ایجاد نموده‌اند وجود ندارد. و لذا خداوند در ادامه‌ی آیه می‌فرماید که پس از این استیصال دیگری پیروزی در پی نخواهد بود و در آن روز کفار و مستکبرین جهانی از هیچ نیرویی که سبب یاری و نصرت آنها باشد برخوردار نخواهند بود. و این معنای درست **فلا تنتصران** است.

اثبات اینکه در این آیه، قیامت همان قیام امام زمان عج است؛

برای اثبات این که این آیات مربوط به دوران ظهور امام زمان عج است (که البته همان قیامت است). توجه کنید به روایتی که در کتاب **تفسیر جامع** اثر سید محمد ابراهیم بروجردی، ذیل تفسیر آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی الرحمن آمده است:

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ

«شیخ مفید در اختصاص ذیل آیه فوق از معویه بن عمار روایت کرده گفت حضرت صادق فرمود ای معویه مردم این آیه را چگونه تفسیر می‌کنند؟ عرض کردم می‌گویند خداوند می‌شناسد روز قیامت مردم را از سیمایشان فرمود دروغ می‌گویند آیا خداوندی که مخلوقات را آفریده محتاج است بر اینکه آنها را از سیمایشان بشناسد عرض کردم ای فرزند رسول خدا پس معنای آیه چیست؟ فرمود زمانی که قائم ما آل محمد عجل الله تعالی فرجه قیام کرد خداوند سیمای دشمنان ما را به ایشان می‌شناساند پس امر می‌کند به آن حضرت که آنها را گرفته با شمشیر سرشان را از تن جدا کند و این حدیث را نعمانی در کتاب غیبت و صفار در بصائر الدرجات روایت کرده‌اند.»

شاهدی بر نظر استاد غفاری

در کتاب التحقیق، ج ۱۲، ص: ۵۷ ذیل آیه ی ۳۵ الرحمن چنین آمده است:

« الشواظ: قطعۀ منفصلۀ متجلّیۀ من النار من لهب متجسّم، و هذا مربوط بعوالم ما وراء المادّة، و النار و الشواظ لا بدّ أن تكونا من سنخ تلك العوالم و متناسبین بها. و النحاس كالشواظ و يدلّ على أثر ظاهر باق من النحوسۀ و الكدورۀ و الظلمۀ و الشدّة المتجلّیۀ.

و قلنا إنّ الصفر يطلق عليه النحاس باعتبار كدوره و احمرار فيه، و ليس المراد في الآية إرسال هذا الجنس من الفلزّات.

و لا يخفى أنّ الشواظ من الموضوعات المحسوسۀ المولمۀ المدركۀ بالحواسّ الظاهريّة البدنيّة الجسمانيّة مادّيۀ أو برزخيّة. و النحاس من الموضوعات المدركۀ بالحواسّ الروحانيّة المولمۀ الشديده.

و هذه الكدورۀ و الظلمۀ و الشدّة المولمۀ: هي المتجسّمۀ المتجلّیۀ من الأخلاق الرذيلۀ في النفس و الأفكار و العقائد الباطلۀ في القلب و الأعمال الظاهرۀ بالجوارح.

و التعبير بالإرسال: فيه دلالة على وجود الشواظ و النحاس في الخارج، لا أنّ الله تعالى يوجد هما، و إنّما الإرسال و الإلحاق منه، و ذلك بتحقق رابطۀ بينه و بين هذين المولمين. كما قال تعالى - بعد هذه الآية الكريمة:

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ - ۵۵ / ۴۱»

شرح:

صاحب التحقیق^۴ نیز معتقد است که منظور از نحاس در این آیه مس گداخته نیست. (و ليس المراد في الآية إرسال هذا الجنس من الفلزّات.) بلکه دلالت می کند بر

^۴ - « التحقیق في كلمات القرآن الكريم» در چهارده جلد به زبان عربی یکی از فرهنگهای قرآنی است که به قلم قرآن پژوه و دانشمند کوشا و دانای معاصر مرحوم استاد حسن مصطفوی تألیف پذیرفته است. می توان آن را به مثابه دایره المعارف قرآنی انگاشت. به توضیح کلمات و شرح آنها پرداخته، نوعی تفسیر ضمنی و محتوایی را در بر دارد. این کتاب یکی از بزرگترین فرهنگهای قرآنی معاصر است و در سال ۱۳۶۲ ش به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت ارشاد اسلامی برگزیده گردید.

نتیجه و اثر آشکاری که از شواظ باقی مانده است. (یدلّ علی أثر ظاهر باق من النحوسه و الكدوره و الظلمه و الشده المتجلیه). همچنین شواظ را محسوس با حواس پنجگانه دانسته (و لا یخفی أنّ الشواظ من الموضوعات المحسوسه المولمه المدركه بالحواس الظاهریه البدنیة الجسمانیة مادیة أو برزخیة) در حالیکه نحاس را که نتیجه ی شواظ است امری غیر محسوس دانسته است که با حواس روحانی یعنی به نیروی عقل درک خواهد شد. (و النحاس من الموضوعات المدركه بالحواس الروحانیة المولمه الشدیة).

و نکته‌ی قابل توجه در اینجا این است که نحاس را آن نتایج ظلمانی و شوم و نحسی دانسته که در اخلاق رذیله و افکار و عقاید باطل و نیز در اعمال منحوس انسانها ظهور یافته و از طریق جوارح ایشان آشکار و ظاهر می‌گردد. (و هذه الكدوره و الظلمه و الشده المولمه: هی المتجسمه المتجلیه من الأخلاق الرذیله فی النفس و الأفكار و العقائد الباطله فی القلب و الأعمال الظاهرة بالجوارح). و برای این ادعای خود همان آیه ای را آورده است که در بخش قبل بر اساس فرمایش امام صادق علیه السلام بر دوران ظهور امام زمان عج دلاله دارد. یعنی آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی الرحمن:

يُغَرِّقُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ
 ﴿٤١﴾

وصلی الله علی نبینا محمد و علی اهل بیته الکرام
 اللهم عجل لاولیائک المعصومین الفرج
 و فرجنا بهم

الحمد لله رب العالمین - ۱۰۰۰ ع.

هجدهم آذر هزار و سیصد و نود و یک

بیست و سوم محرم الحرام هزار و چهارصد و سی و چهار